

واژه‌سازی در زبانِ فارسی
یک انگارهٔ نظری

حسین سامعی

سازمان

تهران ۱۳۹۸

فهرست

یادداشت	یازده
علائم و اختصارات	سیزده
جدولِ علائمِ آوانگاری	سیزده

بخش اول: مقدمه

۱. طرح موضوع	۳
۲. مفروضات پایه	۵
۱-۲. واژه	۵
۲-۲. ساختِ واژه	۹
۳-۲. طبیعی بودن	۱۰
۴-۲. توصیف	۱۲
۵-۲. زبانِ فارسی	۱۲
۳. تاریخ مباحثِ واژه‌سازی	۱۴
۱-۳. مطالعاتِ واژه‌ساختی در زبان‌شناسی همگانی	۱۴
۲-۳. مطالعاتِ واژه‌ساختی در زبانِ فارسی	۱۷

بخش دوم: نظام زبان

۴. زبان و ساخت و کار آن	۲۳
۱-۴. تعریف زبان	۲۳

۲۴	۲-۴ ساختار زبان
۲۶	۵. بخش‌های زبان
۲۶	۱-۵ نظام آوایی
۲۶	۲-۵ نظام معنایی
۲۶	۳-۵ نظام دستوری
۲۷	۴-۵ واژگان
۳۰	۵-۵ نحو
۳۱	۶-۵ تصریف
۳۱	۷-۵ واژه‌سازی
۳۲	۸-۵ شکل دستور

بخش سوم: نظام واژه‌سازی

۳۷	۶. قواعد واژه‌سازی
۳۷	۱-۶ شکل قاعده
۳۸	۲-۶ عنصر متغیر
۳۹	۳-۶ عنصر ثابت
۴۱	۴-۶ عنصر رابط
۴۲	۷. فرایندهای واژه‌سازی
۴۲	۱-۷ فرایندی با یک عنصر متغیر و یک عنصر ثابت
۴۵	۲-۷ فرایندی با دو عنصر متغیر ناهم‌گون
۴۶	۳-۷ فرایندی با دو عنصر متغیر هم‌گون
۴۸	۴-۷ رابطه فرایندها
۵۱	۸. واژه‌سازی و بخش واجی
۵۵	۹. واژه‌سازی و بخش معنایی
۵۸	۱۰. واژه‌سازی و نوع دستوری
۶۲	۱۱. واژه‌سازی و نحو
۶۵	۱۲. واژه‌سازی و تصریف
۶۷	۱۳. واژه‌سازی و واژگان
۶۸	۱۴. قاعده‌سازی

فهرست نه

۷۴	۱۵. واژه‌گردانی
۷۴	۱-۱۵ نوواژه‌سازی
۷۷	۲-۱۵ نهادی‌شدگی
۷۸	۳-۱۵ واژه‌گردانی

بخش چهارم: فرایندهای واژه‌سازی در فارسی

۸۷	۱۶. فرایندِ عنصرِ ثابت و ستاک
۸۷	۱-۱۶ فرایندِ عنصرِ پیشین + ستاک
۹۲	۲-۱۶ فرایندِ ستاک + عنصرِ پسین
۱۰۰	۳-۱۶ فرایندِ ستاک + عنصرِ ثابتِ مضاعف
۱۰۲	۱۷. فرایندِ ستاکِ ۱ + ستاکِ ۲: $[x, y]$
۱۰۴	۱۸. فرایندِ ستاک + ستاک: $[x, x']$
۱۰۵	۱-۱۸ دو ستاکِ متفاوت
۱۰۷	۲-۱۸ دو ستاکِ یکسان
۱۰۸	۳-۱۸ دو ستاکِ مشابه
۱۱۰	۱۹. سخنِ پایانی
۱۱۳	کتاب‌شناسی
۱۱۹	نمایه

۱ طرح موضوع

۱-۱ موضوع این کتاب «توصیف فرایندهای طبیعی واژه‌سازی در زبان فارسی» است. این کتاب بر آن است تا خطوط کلی واژه‌سازی طبیعی زبان فارسی را از دیدگاهی علمی مورد مطالعه قرار دهد و، از طریق تحلیل داده‌ها، به فرایندها و قواعد حاکم بر ساخت کلمات ترکیبی (complex) فارسی بپردازد و، در این میان، برخی از مسائل واجی، نحوی، و معنایی واژه‌سازی فارسی را مورد بحث قرار دهد.

۲-۱ این بررسی به‌طور خاص به فرایندهای عمده واژه‌سازی در انواع دستوری اسم، صفت، و قید می‌پردازد؛ کلیشه‌های نحوی (اصطلاحات و تعبیرات)، افعال – به اصطلاح – پیش‌وندی و مرکب، و نیز حروف مرکب در این تحلیل وارد نمی‌شوند. تمایز عمده این دو گروه از کلمات در آن است که:

الف) قواعد حاکم بر ساخت اسم‌ها، صفت‌ها، و قیدها عمدتاً با قواعد حاکم بر ساخت‌های نحوی متفاوت است، به طوری‌که در این موارد می‌توان از ساخت‌ها و قواعدی صحبت کرد که، نسبت به ساخت‌های نحوی، «طبیعت متفاوتی» دارند؛ و همین «طبیعت متفاوت» است که ما را به اختصاص بخشی مستقل برای واژه‌سازی، جدا از بخش نحو، در مدل دستوری خود، سوق می‌دهد.

ب) قواعد حاکم بر ساخت اصطلاحات، افعال پیش‌وندی و مرکب، و نیز حروف مرکب عمدتاً از سنخ قواعد نحوی است و، بنابراین، با قواعد انواع دستوری پیش‌گفته

متفاوت است. مثلاً، رابطه میانِ فرا و رفتن، در فرارفتن، یا حرف و زدن، در حرف زدن، رابطه‌ای است که، به ترتیب، میانِ وابسته‌های قیدی و مفعولی با فعل برقرار می‌شود، به طوری که این وابسته‌ها، هم‌چون هر واحد نحوی مستقل دیگری، خود قابلِ بسط نیز هستند: فراتر رفتن، حرفی زدن. این حکم در موردِ حروفِ مرکب نیز صادق است: حرفِ اضافه به سوی می‌تواند به صورت‌های به این سوی یا به آن سوی به کار رود.

۲ مفروضات پایه

طرح این موضوع، یعنی «توصیف فرایندهای طبیعی واژه‌سازی در زبان فارسی»، مستلزم وجود و قبول مفاهیمی است که در این جا برخی از آن‌ها توضیح داده می‌شوند.

۱-۲ واژه

۱-۱-۲ صرف کاربرد اصطلاح «واژه‌سازی» مستلزم دو فرض اولیه است:
الف) چیزی به نام «واژه» (یا «کلمه») وجود دارد؛ و
ب) حداقل برخی از مصادیق آن دارای «ساخت» هستند.

۲-۱-۲ در زبان‌شناسی جدید، مفهوم «واژه» یا «کلمه» به دلیل ابهام آن غالباً کنار گذاشته شده است.^۱ برخی از نظریه‌های زبان‌شناسی، در تحلیل‌های خود، هیچ سطح مستقلی برای کلمه در نظر نگرفته‌اند. ساخت‌گرایان آمریکایی (بلومفیلد، هریس، نایدا، و هاکت) تکواژ (morpheme) را اساس تمام تحلیل‌های خود قرار داده‌اند. مارتینه (۱۹۶۰) ترجیح می‌دهد نقشی را که سنت‌های دستوری به کلمه اختصاص می‌دهند میان دو سطح monème و syntagme قسمت کند - هرچند که در نوشته‌های متأخرتر خود (۱۹۸۹: ۱۲۸ و ۱۲۹) ناچار می‌شود بیش از پیش به مفهوم کلمه توسل جوید. نظریه

(۱) این وضع پس از سال ۱۹۷۰ و پس از انتشار مقاله «اشاراتی بر اسم‌گردانی» (چامسکی ۱۹۷۰) تغییر کرد؛ نگاه کنید به ۱-۳.